



افزایش ضریب آسیب‌پذیری کودکان و تأثیر آن بر سلامت جامعه

دکتر وحیده احمدی*

اشاره:

در ماه‌های اخیر اخبار و گزارش‌های قابل توجهی از کودکان آزاری‌ها و نیز آسیب‌های مرتبط با کودکانی که در آستانه ورود به نوجوانی هستند، منتشر شد. نمود جدید آسیب‌های فراروی کودکان این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا آسیب‌پذیری در میان کودکان نسبت به گذشته روند صعودی به خود گرفته است؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد آسیب‌پذیری کودکان از لحاظ تأثیرگذاری، دامنه آسیب‌ها، علل و زمینه‌های وقوع آنها روند فزاینده‌ای داشته است به گونه‌ای که می‌توان این فرض را مورد تأکید قرار داد که ضریب آسیب‌پذیری کودکان نسبت به قبل افزایش چشمگیری یافته است و در نتیجه اتخاذ رویکردهای راهبردی در این باره ضروری است.

مقدمه

سلامت جامعه در ابعاد متفاوت آن، از جمله مهمترین مقوله‌هایی است که امروزه در مورد آن تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری صورت می‌گیرد. سلامت اخلاقی، رفتاری، روانی و پنداری در درون یک جامعه نه تنها موجب رشد، بالندگی و پیشرفت آن جامعه شده، بلکه یکی از عوامل تعیین‌کننده در جایگاه و ارزش یک نظام سیاسی در فضای بین‌المللی به شمار می‌آید. تعریف و تمجید از ملت‌هایی که پایبندی بیشتری به مبانی اخلاقی و انسانی دارند و از ویژگی‌های قابل‌تحسین فرهنگی برخوردارند، در بسیاری از مسائل دنیای امروز از جمله صنعت توریسم، سرمایه‌گذاری خارجی، کسب احترام بین‌المللی و حتی جایگاه مقامات سیاسی آن نقش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. از این رو در عصر حاضر تمام دولت‌ها تلاش می‌کنند که تصویر ملت خود را در قالب جامعه‌ای سالم،

پویا و همسو با موازین اخلاقی و دارای فرهنگی والا و تحسین‌برانگیز بازتاب دهند. این موضوع در جامعه اسلامی ما که مبانی اخلاقی و انسانی ریشه در اصول و فرهنگ مقدس دینی و مذهبی دارد، از جایگاه بالاتری برخوردار است؛ ضمن اینکه نقش مهم دین و اخلاق در سلامت جامعه، به همان اندازه انتظارات از جامعه ما را افزایش می‌دهد. از این رو تلاش برای سلامت هر چه بیشتر جامعه بر مبنای گسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ اخلاقی و تربیت نسل‌هایی که اخلاق‌مداری بخشی از هویت آنان را تشکیل دهد، همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری و نهادهای مختلف دولتی، دینی و فرهنگی بوده است.

کودکان از جمله مهمترین پایه‌های سلامت جامعه، به شمار می‌آیند؛ مسئله‌ای که موجب شده است موضوعات مختلف همچون رشد، تربیت، نیازهای روانی و عاطفی آنها از اهمیت فزاینده‌ای در سیاست‌گذاری‌های تمام کشورها و حتی در برنامه‌های فراملی همچون سیاست‌های سازمان ملل برخوردار باشد. رابطه کودکان با سلامت جامعه را باید از دو منظر مورد توجه قرار داد: نخست آنکه چگونگی رشد و پرورش نسل جدید، تا حدود زیادی تعیین‌کننده آینده یک نظام اجتماعی و سیاسی خواهد بود. در این چارچوب تلاش برای انتقال موازین اخلاقی و تربیتی درست همچون اخلاق‌مداری، مسئولیت‌پذیری، احترام به دانش و آگاهی، قدرت تصمیم‌گیری و...

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی



و امنیت روانی جامعه است، با این حال آسیب‌های فراروی کودکان در حال حاضر، محدوده گسترده‌تری از قتل، تجاوز و ضرب و شتم پیدا کرده است. خرید و فروش نوزادان و کودکان یکی دیگر از مسائل مهمی است که به دلیل گسترش این معضل، در یک‌سال اخیر هشدارهای جدی در مورد آن داده شد. این در حالی است که بسیاری از این نوزادان که با حداقل قیمت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان خرید و فروش می‌شوند، اعتیاد داشته و یا به بیماری‌هایی همچون هیپاتیت و ایدز مبتلا هستند.

خودکشی در کودکان و نوجوانان که نمونه‌های آخر آن در مردادماه روی داد و دو دختر بچه ۱۳ و ۱۴ ساله در تهران خود را از بالای ساختمانی به پایین پرتاب کردند، یکی دیگر از مسائل خبرساز سال گذشته بود که واکنش‌های بسیاری را برانگیخت. علاوه بر این مورد در ماه گذشته، یک دختر بچه ۱۱ ساله در یکی از شهرستان‌های کشور به دلیل اعتراض به ازدواج اجباری خود را حلق آویز کرد که جدا از مسئله خودکشی، ازدواج‌های زودهنگام را به عنوان آسیب دیگری که فراروی کودکان قرار گرفته است، مورد تأکید قرار داد. کودک‌همسری یکی دیگر از معضله‌هایی است که پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون بازماندگی از تحصیل و افسردگی را موجب شده و بستر آسیب‌هایی همچون طلاق، فرار، اعتیاد و فساد را تسهیل می‌کند. تعداد قابل توجه کودکان کار که به گفته رئیس مرکز تحقیقات ایدز کشور، اغلب آنها به هیپاتیت و ایدز مبتلا هستند و به صورت نگران‌کننده‌ای به اعتیاد روی آورده‌اند، از جمله آسیب‌های دیگر مربوط به کودکان در جامعه امروزی ایران است.

با تأمل در انواع مختلف آسیب‌های اجتماعی مرتبط با کودکان این مسئله به ذهن متبادر می‌شود که آیا انواع مختلف این آسیب‌ها مختص به زمان حال و نتیجه فضای کنونی

در کنش‌های رفتاری نسل آینده که تعیین‌کننده ماهیت یک نظام اجتماعی است، خود را بازتاب خواهد داد. دوم؛ تجربه‌های کودکان از مسائل مختلف اطراف خود، نگرش آنها نسبت به بسیاری از مسائل را شکل داده و کودک در بسیاری موارد، فارغ از آنچه تلاش شده است به صورت آگاهانه به وی آموخته شود، به ناخودآگاه خود که مبتنی بر تجربیات گوناگون است، رجوع کرده و آنچه را که در این دایره، دیده است، باز تولید می‌کند. از این رو جامعه‌پذیری کودک مرزهایی فراتر از آموزش و تربیت آگاهانه داشته و رفتارهای ناخودآگاه ما تأثیرگذاری بیشتری در آن خواهد داشت. بدین ترتیب کودکان در بزرگسالی بر اساس آموزه‌های آگاهانه تربیتی و هم بر مبنای بازتولید تجربه‌های اطراف، رفتارهای مختلف را همسو و یا غیر همسو با سلامت جامعه بروز می‌دهند. بنابراین دو عامل چگونگی انتقال ارزش‌های اخلاقی و دینی به کودکان از یک سو و تجربه‌های دنیای کودکان از سوی دیگر ارتباط مستقیمی با سلامت جامعه دارد و ناکارکردی در هر کدام از این عرصه‌ها، آسیب‌های جدی را دربر خواهد داشت؛ آسیب‌هایی که نه تنها کودک را از داشتن زندگی سالم محروم خواهد کرد بلکه در سطح بالاتر مانعی جدی در دستیابی به جامعه سالم خواهد بود. با توجه به اهمیت این امر، نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد گزارشی اجمالی از آسیب‌های فراروی کودکان در جامعه امروز ایران را بازتاب داده و عوامل بروز این آسیب‌ها و راهکارهای مقابله با آنان را تبیین نماید.

آسیب‌های کنونی فراروی کودکان

بر خلاف گذشته که صفحه حوادث بیشتر به اموری همچون قتل و جنایت اختصاص داده می‌شد، در حال حاضر آسیب‌های مختلفی که در قبال کودکان روی می‌دهد، یکی از بخش‌های مهم و خبرساز رسانه‌ها را تشکیل می‌دهد. قتل و جنایت، تجاوز، ضرب و شتم، اعتیاد، خرید و فروش، خودکشی و سوءاستفاده‌های کاری، از جمله مهمترین موضوعاتی بوده است که در یکسال گذشته مصادیق مختلف و اسفباری از آن در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی انعکاس یافت. جنایات هولناک در قبال کودکان همچون آنچه در شهریورماه سال گذشته در تهران برای سپهر ۱۰ ساله روی داد، تعرض و قتل دختران خردسال در تهران و شهرهای مختلف کشور که برخی از آنها همچون ماجرای دو ستایش و حنا بعد رسانه‌ای بیشتری پیدا کرد و ضرب و شتم نوزادان و کودکانی که نمونه اخیر آن در مورد طاهای سه ساله در مرداد ماه منتشر شد و در برخی موارد فوت کودک را منجر می‌شود، تبدیل به خبرهای تقریباً ثابت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شده است. اگرچه این موارد به تنهایی زنگ خطری جدی در قبال سلامت

یافته است. بر این اساس حتی اگر در دهه‌های قبل موارد مربوط به آسیب‌های کودکان همچون کودک‌آزاری و مواردی همچون تجاوز و تعرض وجود داشته اما امروز حس ناامنی نسبت به این موارد به دو دلیل افزایش چشمگیری پیدا کرده است. نخست آنکه تنوع رسانه‌ای، انتشار سریع، گرایش مردم به مطالعه این گونه حوادث و مهمتر از آن نقش قدرتمند شبکه‌های اجتماعی در گردش این اخبار، حس ناامنی در دنیای امروز کودکان را در میان لایه‌های اجتماعی، تعمیق بخشیده است. دوم؛ حتی اگر در دهه‌های قبل این آسیب‌ها وجود داشته، اما مصادیق امروز آن گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است. به عنوان نمونه قتل کودک ۶ ساله افغان به دست فردی که وی نیز در مراحل آخر کودکی خود قرار دارد و یا خودکشی‌های کودکان به دلایل مختلف درسی و یا مشکلات خانوادگی، نمودهای جدیدی از آسیب‌های فزاینده مرتبط به کودکان است که در سال‌های قبل مصادیق آن یا وجود نداشته و یا در ابعاد محدودتری رخ داده است.

زمینه‌ها و دلایل افزایش ضریب آسیب‌پذیری کودکان
کودکان همواره جزء یکی از آسیب‌پذیرترین لایه‌های اجتماعی بوده‌اند. این امر مربوط به یک فرهنگ و یک مکان خاص نبوده و مسئله‌ای تقریباً ثابت در تمام جوامع است؛ اگرچه شدت و ضعف آن به واسطه عوامل مختلف خانوادگی، فرهنگی و حقوقی تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر دارد. در جامعه ما نیز به‌رغم توصیه‌های مختلف دینی و مذهبی در مورد برخورد با کودکان، واقعیت‌های اجتماعی جدید، بخشی از این قشر را در معرض آسیب‌های قابل توجهی قرار داده است. به نظر می‌رسد مسائلی که در حال حاضر جامعه با آن روبه‌رو شده، منجر به گسترش دامنه این آسیب‌پذیری و تأثیر بیشتر آنها بر سلامت جامعه، شده است. مهمترین زمینه‌ها و دلایلی که افزایش آسیب‌پذیری کودکان در جامعه امروز را به دنبال داشته است، عبارتند از:

- افزایش آسیب‌های اجتماعی: گسترش آسیب‌های اجتماعی در سطوح دیگر بر روند آسیب‌های فراروی کودکان، تأثیرگذار بوده است و به نمودهای جدیدی از این آسیب‌ها که در گذشته، یا سابقه نداشته و یا بسیار اندک و انگشت‌شمار بوده، انجامیده است. افزایش معتادان مواد مخدر صنعتی که آثار توهم‌زایی داشته و به تدریج قوه ادراک را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌کند، از جمله مهمترین زمینه‌هایی بوده است که در مصادیق مختلف کودک‌آزاری خود را نشان داده است. در سال گذشته علاوه بر جنایت و قتل که نمونه نادرتری از این تأثیرگذاری بود، موارد متعددی از کودک‌آزاری‌های شدید فیزیکی حتی در قبال نوزادان، گزارش شد که والدین به دلیل

جامعه است و یا در دهه‌های گذشته نیز وجود داشته و رسانه‌ای شدن، موجب ایجاد حس افزایش در آنها شده، در حالیکه تفاوت چندانی با روند سابق نداشته است؟ با توجه به اینکه آمارهای شفاف‌تری در مورد این آسیب‌ها وجود ندارد و اکنون نیز نمی‌توان به آمار معتبری در مورد آنها دست یافت، مقایسه روند کنونی با گذشته، امری امکان‌ناپذیر است. ضمن اینکه آسیب‌هایی همچون ازدواج زودهنگام، نه تنها مربوط به دوره کنونی نیست بلکه یکی از سنت‌های اشتباهی است که از گذشته به زمان حال رسیده است. در مقابل، کودک‌آزاری‌های جنسی و فیزیکی در جامعه امروز حساسیت‌های بیشتری را تولید کرده است که البته قضاوت در مورد افزایش قابل ملاحظه این پدیده نیز با پیچیدگی‌های خاص خود همراه است. بر این اساس برخی از مسئولان بر این اعتقادند که آسیب‌های مربوط به کودکان همچون کودک‌آزاری تفاوت چندانی با گذشته ندارد. به عنوان نمونه معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی اسفند ماه سال ۹۴ درباره آمار کودک‌آزاری گفته بود: «برآورد می‌کنیم که تا پایان سال جاری ۶۵۰ هزار تماس به اورژانس اجتماعی داشته باشیم، از این تعداد ۱۵۰ هزار تماس مرتبط با قسمت فعالیت‌های اجتماعی اورژانس بوده که ۸/۵ درصد آن مربوط به کودک‌آزاری است که نسبت به سال‌های قبل تفاوت معناداری ندارد». با این حال به نظر می‌رسد حتی با این پیش‌فرض که کودک‌آزاری و آسیب‌های مربوط به کودکان در شرایط فعلی از لحاظ تعداد وقوع آنها، تفاوت چندانی با گذشته نداشته است، اما از لحاظ تأثیرگذاری، دامنه آسیب‌ها، علل و زمینه‌های وقوع آنها تفاوت‌های انکارناپذیری وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان این فرض را مورد تأکید قرار داد که ضریب آسیب‌پذیری کودکان نسبت به قبل افزایش چشمگیری

استعمال مواد مخدر همچون شیشه، کنترل رفتاری خود را از دست داده و کودک را مورد ضرب و شتم قرار داده بودند؛ که چندین مورد آن به فوت کودک منجر شد. اگرچه در گذشته نیز در پی مسائلی همچون مشکلات فرهنگی و یا اختلالات روانی والدین، در برخی موارد تنبیه بدنی کودکان، حالت افراطی می گرفت اما این موارد با گسترش سطح آگاهی و دانش خانواده‌ها، تغییر قابل ملاحظه‌ای یافته است. در این میان نباید این نکته را فراموش کرد که علاوه بر آسیب‌های فیزیکی، پیامدهای جدی روانی تا سالها بعد، در تجربه ذهنی کودک باقی مانده و ناخودآگاه وی را تحت تأثیر مستقیم قرار خواهد داد.

افزایش تعداد زنان معتاد و نیز دختران فراری به ویژه در کلان‌شهرها از دیگر آسیب‌های اجتماعی است که در روند فزاینده کودکان معتاد و بیمار و نیز مسائل مربوط به آنان همچون خرید و فروش این نوزادان تأثیر مستقیم داشته است. در این میان شیوع هشداردهنده بیماری ایدز در میان کارتن‌خواب‌ها و معتادان متظاهر خود بستر دیگری برای آسیب‌پذیری کودکان را به وجود آورده است.

- دسترسی آسان به محصولات ضد اخلاقی: یکی دیگر از مواردی که ضریب آسیب‌پذیری کودکان را افزایش داده است، تحول در بازار محصولات غیر اخلاقی است. با پیشرفت تکنولوژی و استفاده عموم از گوشی‌های دارای قابلیت اتصال به دنیای مجازی، گسترش شبکه‌های اجتماعی و نیز همه‌گیر شدن استفاده از ماهواره، محدودیت‌هایی که در بازار محصولات غیر اخلاقی وجود داشت، به صورت نگران‌کننده‌ای برداشته شده است. اگر دسترسی به محصولات مستهجن در گذشته، با موانع خاص خود همراه بود، در جهان امروز این محصولات به آسانی و به وفور در دسترس قرار گرفته است. در این میان جامعه نوجوان و جوان، هنوز به به مرحله گذار از این مسئله نرسیده و مسائلی همچون کنجکاوی و نیازهای مختلف جسمی و روانی، موجب می شود که همچنان نسبت به این محصولات آسیب‌پذیری بالایی داشته باشند. این در حالی است که هیچگونه آموزش حرفه‌ای و کارشناسانه برای تفهیم غیر واقعی بودن محتوای این محصولات و فاصله واقعیت موجود تا توهم القاشده از این تصاویر، در جامعه اجرا نشده است. نتیجه این امر در مصادیقی همچون بلوغ زودرس، انحراف‌های جنسی در کودکان و رفتارهای هشداردهنده که در برخی از مدارس ابتدایی روی می‌دهد، خود را نشان می‌دهد. ضمن اینکه این پیامدها در صورتی که کنترل نشود، رفتارهای تخریب‌گرانه را نیز به دنبال خواهد آورد؛ این امر در مورد قاتل ۱۷ ساله دختر خردسال در ورامین، بازتاب آشکاری داشت.

با این حال در بسیاری از موارد نیز کودکان خود قربانی فضای توهم‌آلود جامعه بزرگسالان می‌شوند. نمونه‌های مختلف تعرض و

تجاوز به کودکان، نشان می‌دهد که نه تنها کودکان خود به عنوان جامعه هدف، در مواجهه با این ناهنجاری‌ها قرار دارند بلکه امنیت آنها در قالب قربانیان جامعه بزرگسال نیز، در معرض تهدید قرار گرفته است. نکته آنجاست که کودکان آزاری‌های جنسی، پیامدهای بسیار هشداردهنده‌ای را دربردارد که مهم‌ترین آنها تبدیل این کودکان به افراد تخریب‌گر قواعد اخلاقی و اجتماعی است. اعتراف قاتلان و متجاوزانی که ادعا دارند در کودکی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، نشان از تأثیر جبران‌ناپذیر این گونه مسائل در ناخودآگاه کودک دارد. در این میان افشای موارد تعرض و تجاوز به کودک و ناآگاهی برای پیشگیری و در نتیجه غافلگیری والدین موجب تألمات روحی گسترده برای آنان و حتی فروپاشی خانواده می‌شود که به مثابه یک آسیب اجتماعی دیگر، زنجیره پیامدهای این مسئله را بلندتر و جبران آنها را سخت‌تر می‌سازد.

- خلاءهای زندگی مدرن: تبدیل خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای، تحول در جوامع سنتی با مرزهای پرمنفذ به جوامع سلولی متمایز از یکدیگر، الزامات زندگی اقتصادی و حضور نداشتن والدین در کنار فرزندان در ساعات قابل توجهی از روز با اهداف معیشتی و رشد خانواده‌های تک‌فرزند و کم‌فرزند برخی از مظاهر زندگی مدرن است که تأثیر مستقیمی بر دنیای کودکان گذاشته است. افزایش ساعات تنهایی، نبود گروه هم‌سالان و بازی‌های جمعی در پی تغییر الگوی فرزندآوری، تغییر سرگرمی‌های کودکانه از فعالیت‌های بدنی انرژی‌بر به بازی‌های مجازی و بسیاری دیگر از عوامل موجب شده است تا بسترهای عاطفی کودک نسبت به دوره‌های قبل، تحول یافته و تعداد پناهگاه‌های روحی کودک تقلیل یابد. در این میان هیچ نهادی مسئولیت تحولات زیست‌جهان کودکان را بر عهده نگرفته است؛ مدارس همچنان از داشتن مشاورهایی که اعتماد کودکان را جلب کنند، محروم بوده و

معلمان و مربیان با همان استانداردهای تربیتی سابق با کودک رفتار می‌کنند؛ ضمن اینکه هنوز اجماعی در مورد چگونگی آموزش برای رویارویی با این فضا و مشکلات آن وجود ندارد. این امر دو پیامد مهم را در بردارد: نخست آنکه کاهش تعامل‌های بیرونی و کمبودهای روانی موجب عارضه‌هایی همچون سرخوردگی از دوست‌یابی و تمایل به انفرادی‌گرایی، نبود اعتماد به نفس، انباشت تخیل‌های کودک و تلاش برای سرّی نگاه‌داشتن آن می‌شود. دوم؛ بسترهای لازم برای تخلیه انرژی کودک فراهم نبوده و کودک در مراحل رشد مخصوصاً در دوره ورود به التهابات نوجوانی با هیجانات درونی بسیاری مواجه می‌شود که در غیاب پناهگاه‌های روحی، تلاش می‌کند خود به دنبال راهکار برای آنها باشد. نتیجه این مسائل گسترش آسیب‌هایی همچون افسردگی، هیجانات روحی تخریب‌گرانه همچون خودکشی، نداشتن قدرت نه‌گویی در تعامل‌های بیرونی، سست‌اراده‌گی در مقابل پیشنهادات غیرمتعارف و... خواهد بود. آمارهای موجود از کاهش سن مصرف سیگار در میان دختران و پسران، گزارش‌های تکان‌دهنده از اعتیاد دانش‌آموزان در سنین پایین، فرار دختران نوجوان، دوستی‌های پرخطر و بسیاری دیگر از موارد، آسیب‌هایی است که در نتیجه خلاءهای دنیای مدرن، فراروی کودکان امروز قرار گرفته است.

تأثیر افزایش آسیب‌پذیری کودکان بر سلامت جامعه

آسیب‌های روانی، جنسی، جسمی و فیزیکی به مثابه حیطه در حال گسترشی از ناامنی‌های مختلف در دنیای امروز کودکان، بروز یافته و پیامدهای قابل ملاحظه‌ای را در سطوح مختلف فردی و جمعی در برداشته است. در سطح فردی، قرار گرفتن کودک در معرض آسیب‌های مختلف، دنیای کودکانه را از حالت

متعارف خود خارج کرده و کودک را در برخورداری از مسیر یک زندگی سالم، طبیعی و موفق دور می‌کند. اخلال در روند رشد سالم کودک به عنوان یکی از پایه‌های تأثیرگذار در پیشرفت جامعه، به خودی خود بسیاری از پیامدهای منفی را هم برای کودک و هم برای اطرافیان وی به بار می‌آورد. با وجود این، علاوه بر تأثیرات مخرب فردی، آسیب‌های مرتبط با کودکان و هشدارهایی که در مورد مواجهه آنها با ناامنی‌های مختلف در سطح جامعه منتشر می‌شود، پیامدهای جمعی قابل تأملی را منجر می‌شود؛ پیامدهایی که در مسائلی همچون مسئولیت‌ناپذیری، وابستگی، نداشتن توانایی در تصمیم‌گیری و نبود قدرت مدیریت در نسل آینده، خود را نشان می‌دهد. بر این اساس تلاش همه‌جانبه والدین برای رشد سالم کودکان و سخت‌گیری‌های ناگزیر برای مراقبت آنان در مقابل ناامنی‌های اجتماعی، موجب ایجاد دنیایی شده است که با دنیای کودکان دهه‌های قبل تفاوت بارزی یافته است. تجربه‌های دنیای کودکان قدیم، که در بازی‌های کوچک و محله، پیمودن مسیرهای تقریباً طولانی به صورت مستقل، نقش آفرینی در مسئولیت‌های بیرون از خانه، بازی‌های جمعی دختر و پسر در فضای عمومی و... به دست می‌آمد، با وجود محرومیت‌ها و ناکامی‌های اقتصادی و اجتماعی؛ روند دستیابی به استقلال، تعامل‌گرایی، اعتماد به نفس و... را در میان آنها تسهیل می‌کرد. این در حالی است که در دنیای امروز، کودکان به دلیل هراس والدین از آسیب‌های مربوط به آنان، به صورت نگران‌کننده‌ای تحت مراقبت هستند، به گونه‌ای که استقلال، اعتماد به نفس، قدرت تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری آنها به شدت در معرض آسیب قرار گرفته است؛ مسئله‌ای که سلامت جامعه را در بلندمدت در معرض تهدید قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

کودکان و مسائل مربوط به رشد و تربیت آنان، از جمله مقوله‌های مهم و تأثیرگذار در سلامت جامعه به شمار می‌آید. اهمیت جایگاه آنان در نقش مهمی است که به عنوان نسل آینده در جامعه ایفا خواهند کرد. از این رو مسائل مربوط به کودکان در هر جامعه‌ای بخش مهمی از امنیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. در جامعه ایران امروز نیز مسائل مربوط به کودکان، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بوده و به منظور رفاه و رشد و پرورش سالم آنها، برنامه‌ریزی‌های بسیاری در دستور کار قرار گرفته است. این حال به نظر می‌رسد شرایط و مسائل کنونی جامعه، دامنه‌ناامنی‌ها در قبال کودکان را افزایش داده، به گونه‌ای که نمودهای جدیدی از آسیب‌های مرتبط با کودکان در قالب مصادیق قابل توجهی در ماه‌های



قبل بروز یافت. کودک آزاری‌های فیزیکی و جنسی، نوزادان معتاد و خرید و فروش آنها، بیماری‌های ایدز و هیپاتیت در میان کودکان کار، خودکشی و برخی دیگر از مسائلی که در سال گذشته خبرهای آن به صورت پی در پی، فضای روانی جامعه را تحت‌الشعاع قرار داد، نشان می‌دهد که این آسیب‌ها نیاز به درمان و درمان‌گران جدیدی دارد که با اشراف بر تحولات دنیای کودکان امروز، سیاست‌های جدیدی را برای پیشگیری و راهکارهای متفاوت از قبل را برای تحدید این گونه آسیب‌ها در دستور کار قرار دهند. بدیهی است برای دستیابی به راهکارها و سیاست‌های مؤثر در این باره، گام نخست بازبینی در برخی قوانین عرفی و حقوقی و هنجارهای متعارفی بوده است که تا کنون در جامعه اجرا شده است. اگرچه تدوین و تبیین سازوکارهای راهبردی برای مقابله با آسیب‌های فزاینده کودکان نیاز به پژوهش و مطالعه در متون روانشناسی، استفاده و کاربرد تجربه‌های مؤثر کشورهای دیگر و بحث و تبادل نظرهای شفاف کارشناسان این حوزه دارد، با این حال می‌توان نقطه آغاز این روند را از پرسش‌ها و سؤالاتی در باره مسائل موجود، شروع کرد. به عنوان نمونه با توجه به موارد بسیاری از کودک آزاری‌های جسمی و فیزیکی و ضرب و شتم منجر به فوت از سوی والدین معتاد، آیا شناسایی نهاد خانواده به عنوان تنها قیم حقوقی کودک، امری معقول و منطقی است؟ اگرچه نهادهایی همچون بهزیستی می‌توانند در صورت نیاز، فرزند را از والدین گرفته و تحت مراقبت خود درآورند؛ اما آیا این روند در مصادیق کودک آزاری که به وقوع پیوست، اجرا شده است؟ آیا دخالت بهزیستی در امور مربوط به کودکان، نباید از مرحله بعد از آسیب کودک، فراتر رفته و به مرحله قبل از آسیب برسد؟ آیا نباید نهادهای نظارتی همچون پلیس کودکان، تشکیل شده و آسیب به کودک در هر سطحی حتی جزئی، جزو جرائم حقوقی شناخته شود؟ آیا مسائلی از جمله تماس با نهادهای نظارتی در صورت احساس خطر، نباید به تدریج در مهد کودک‌ها و مدارس به کودک، آموزش داده شود؟

در پاسخ به سؤالات فوق، باید گفت که جامعه ناچار است برای کاهش آسیب‌پذیری کودکان، برخی هنجارهای عرفی را از میان برداشته و برخی قوانین حقوقی را به تصویب برساند. بدیهی است در صورتی که کودک آزاری از حوزه خصوصی خارج شده و به عنوان جرم در حوزه عمومی شناخته شود، کمک بسیاری به کاهش آن خواهد کرد. برنامه‌ریزی برای تقویت نهادهای حامی کودکان از جمله راهکارهایی است که باید در دستور کار قرار گیرد. آموزش به کودکان برای مقابله با آزارهای جسمی و فیزیکی والدین، کارفرما و

سایر افرادی که در تعامل با کودک قرار دارد، همچون اختصاص شماره تلفنی ویژه برای تماس‌های کودکان در هنگام خطر، با وجود پیامدهای قابل توجه آن، گزینه‌ای ناگزیر برای حفظ امنیت آنان است. اگرچه آموزش‌های لازم باید حیطه گسترده‌تری را دربرگرفته و فارغ از قبح‌های اخلاقی و هنجاری جامعه، آموزش در مهد کودک‌ها و مدارس برای مقابله با تعرض‌های جنسی را نیز دربرگیرد. دسترسی به مشاوره‌های تخصصی و ماهرانه در مدارس به گونه‌ای که مشاور خارج از ساختار مدرسه و فضای دوستی با معلمان و مربیان باشد و بتواند اعتماد کودک و نوجوان را در مورد رازداری و کمک به وی جلب کند، از راهکارهای لازم برای جلوگیری از معضل افسردگی، خودکشی و اعتیاد در میان آنها است.

در آخر باید این نکته را یادآور شد که کودکان یکی از اقشار حساس جامعه کنونی ما را تشکیل می‌دهند که برای سلامت آنها تخصیص منابع اقتصادی و اتاق‌های فکر کارشناسانه، ضروری است. در حال حاضر برخی آسیب‌های مربوط به کودکان از نبود امکانات اولیه بهداشتی، درمانی و آموزشی سرچشمه می‌گیرد. به عنوان نمونه نبود مراکز درمانی و آموزشی برای بیماری‌های نادر کودکان همچون اوتیسم در کشور موجب می‌شود که آسیب‌های این قشر و خانواده‌های آنان به صورت مضاعفی افزایش یابد. این مسئله و مسائل دیگری که در بخش‌های مختلف این نوشتار به آنها اشاره شد، نشان می‌دهد که کودکان دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز به سیاست‌گذاری‌های متناسب با الزامات امروز جامعه دارند؛ مسئله‌ای که می‌تواند سلامت جامعه را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار دهد.